

محدودیت‌های گرفتن مالیات

متأسفانه دولت محترم بدون اینکه توجه کافی به منطق و ظرافت‌های مالیات و مالیات‌گیری بنماید، می‌کوشد که کمبودهای مالی خود را از مالیات‌های گوناگون که بعضاً عجیب است، تامین نماید. مالیات بر ثروت و نه بر درآمد و تعاریف کشدار و انواع مقررات مالیاتی که در قانون‌های جدید اضافه می‌کنند از این نمونه است.

به گزارش سایت خبری پرسون، عباس عبدی در یادداشتی نوشت: از هنگامی که بشر از مرحله بدوی و خانوادگی فراتر رفت و سلسله مراتب قدرت را ایجاد کرد، صاحبان زور یا حکومت در پی به دست آوردن منابع مالی برآمدند تا از یک‌سو خودشان متنعم شوند و از سوی دیگر برخی خدمات چون امنیت را نیز به مردم بدهند. شیوه تامین این منابع مالی یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های هر ساختار قدرت است.

منابعی که تامین آن در گذشته از طریق جنگ، تاراج یا خراج یا فروش و اجاره دادن منابع طبیعی و... بود و در پیشرفته‌ترین شکل آن در حکومت‌های مردمی از طریق مالیات‌های قانونمند تامین می‌شود. ایران هم از این قاعده خارج نبود، ولی از یک قرن پیش و با پیدایش نفت بخش مهمی از منابع کشور در کنار انحصارات، از فروش منابع نفتی تامین می‌شد و نتیجه این روند استقلال نسبی حکومت و منابع مالی آن از ملت بود و حکومت را به قدرتی نه برآمده از مردم که قدرتی بر مردم تبدیل کرد. این استقلال مالی عوارض فراوانی داشت، ولی در سال‌های اخیر و به علل گوناگون که جای بحث آن اینجا نیست، منابع مذکور کاهش یافته در مقابل هزینه‌های دولتی نه تنها کمتر نشده که بیشتر هم شده است.

در نتیجه برای تامین منابع مالی مجبور شده‌اند به شیوه‌های دیگر متوسل شوند. مولدسازی یا فروش ثروت یکی از این شیوه‌ها است که طبعاً محدود است و پس از آن به مالیات متوسل شده‌اند. تنها منبعی که به نظر پایدار و نامحدود می‌آید مالیات است. مالیات از مردمی می‌گیرند که اعتقاد و عادت به پرداخت ندارند و مالیات را دولتی می‌گیرد که به الزامات آن پایبند نیست. رعایت پاسخگویی، شفافیت و عقلانیت در خرج کردن مالیات از سوی دولت، الزامات گرفتن آن هستند. دولتی که هنوز کوچک‌ترین پاسخی به فساد چای دشب نداده چگونه انتظار دارد که مردم و صاحبان درآمد با رغبت کافی مالیات پرداخت کنند؟ فارغ از این نکات، مساله اصلی در مالیات درک دولت از مفهوم آن است. هم در کسب آن و هم در خرج آن و هم در پاسخگویی به مردم. مالیات ویژگی مهمی دارد.

مردم می‌خواهند بدانند که دولت چه خدماتی در برابر مالیات به آنها می‌دهد. پرداخت مالیات مثل خریدن کالا است. پول می‌دهیم و کالا می‌خریم. مالیات می‌دهیم در برابرش چه چیزی می‌گیریم؟ همان‌گونه که کالای گران را نمی‌خریم، خدمات گران دولتی را هم نمی‌خواهیم. مهم‌ترین خدمات دولت، در درجه اول امنیت و عدالت است. در مراحل بعدی برنامه‌ریزی توسعه، بهداشت، آموزش و... است. باید درباره منابع لازم برای این خدمات توجیهات کافی بیاورند. خرج کردن برای امور دیگر و بی‌ربط با وظایف اصلی دولت، غلط است. نکته مهم این است که دریافت مالیات محدودیت دارد، مالیات را از تولید و درآمد می‌گیرند، اگر از مقداری بیشتر شود، مردم واکنش نشان می‌دهند و درآمد و تولید نهایی کم می‌شود و در نتیجه مالیات دریافتی هم کم می‌شود، بنابراین مالیات باید صرف ارایه خدماتی شود که به سود تولید و درآمد و رفاه عمومی است، آن‌هم به اندازه‌های محدود باید باشد.

اندازه و موارد مالیات در دنیای جدید از ضوابط علمی و اقتصادی دقیقی پیروی می‌کند، چنین نیست که دولت و مجلس ببینند بودجه کم دارند فوری دستور دهند که یک مالیات از جایی تامین شود!! مالیات پول زور و مرتبط با اراده قدرت نیست. مالیات نوعی خرید و فروش است. خرید خدماتی که عرضه آن در انحصار دولت است به هزینه مردم و از درآمد آنان. به محض آنکه این رابطه میان دو طرف مالیات‌دهنده و گیرنده وجود نداشته باشد، جامعه دچار بحران می‌شود. متأسفانه دولت محترم بدون اینکه توجه کافی به منطق و ظرافت‌های مالیات و مالیات‌گیری بنماید، می‌کوشد که کمبودهای مالی خود را از مالیات‌های گوناگون که بعضاً عجیب است، تامین نماید. مالیات بر ثروت و نه بر درآمد و تعاریف کشدار و انواع مقررات مالیاتی که در قانون‌های جدید اضافه می‌کنند از این نمونه است. همه اینها ضد تولید و درآمد مشروع است و موجب فرار سرمایه و دوری‌گزینی از تولید می‌شود.